

اسم من تپلی است. من مدرسه را دوست دارم.

من و دوستانم هر روز چیزهای جدید یاد می‌گیریم.

با هم کاردستی درست می‌کنیم و زنگ‌های تفریح با هم بازی می‌کنیم.

هر روز آقا معلم برای ما کتاب می‌خواند. بعد نوبت بازی با کلمات است.

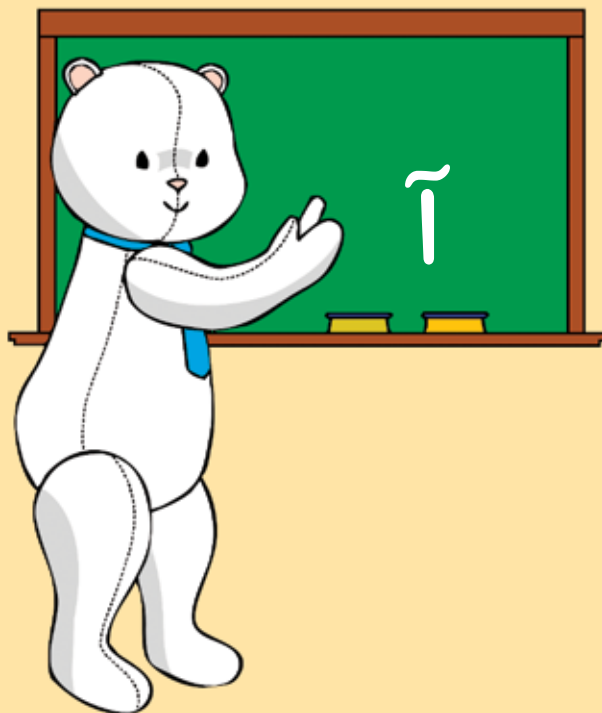
امروز آقا معلم به هر کدام از ما یک صفحه کاغذ داد.

همه‌ی ما مداد رنگی‌هایمان را درآوردیم.



درس امروز ما درباره‌ی کلمه‌هایی است که با  
حرف آ شروع می‌شود.

آقا معلم گفت که هر کدام یک نقاشی از  
چیزهایی بکشیم که با حرف آ شروع می‌شود.  
من آسمان آبی، آب و آدم کشیدم.



فللی گفت: «تپلی دارد از روی  
دست من نقاشی می‌کند.»



وقتی کارم تمام شد، نگاه کردم که بینم فللی  
چه چیزی کشیده است. او دستش را بالا برد.  
آقا معلم پرسید: «چی شده فللی؟»